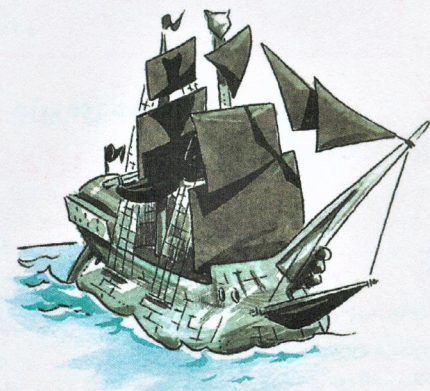


ماکاموشی

جزیره‌ی جوندگان جسور ۹

نبرد با گربه‌های راهزن



نویسنده: جرونیمو استیلتن

تصویرگر: مت ولف

مترجم: محبوبه خدایی



استیلتن! بیا بیرون!

آن روز صبح عجب وضع شلم شوربایی جلوی دفتر روزنامه ام درست شده بود! وقتی از ایستگاه مترو بیرون آمدم، ده‌ها **موش** با **سر و پنجه‌های جورواجور** دیدم که همه‌جای



خیابان ایستاده بودند. همه‌شان پوزه‌هایشان را

بالا گرفته بودند و زل زده بودند به پنجره‌ی

دفتر من! جمعیت با هم نعره می‌زدند:

«استیلتن! بیا بیرون! استیلتن! بیا

بیرون!»

اوه! اوه! یک حسی بهم می‌گفت این

موش‌ها برای امضاگرفتن از من

آنجا جمع نشده‌اند.

خوشبختانه هیچ‌کدامشان من

را نشناختن. آخر می‌دانید که...

استیلتن منم. جرونیما استیلتن!